

حاشیه شرح حکمة العین

میرزا حبیب‌الله باغنوی شیرازی (م ۹۹۴ هـ)

علی حیدری یساولی

حاشیه میرزا جان باغنوی شیرازی^۱ یکی از مهمترین حواشی نگاشته شده بر شرح حکمة العین شمس‌الدین میرک بخاری است که مورد اقبال و نقد و نظرهای بسیاری از جانب اهل حکمت و فلسفه حوزه‌های شیراز و اصفهان قرار گرفته. حاشیه مزبور را بی‌شک می‌توان یکی از آثار درخشان و مورد استناد میراث فلسفی شیراز پیش از ظهور فیلسوف متأله و بنیانگذار حکمت متعالیه، ملاصدرای شیرازی رحمته‌الله قلمداد کرد.

البته بدون شک شارحان این میراث ارزشمند چون قوام‌الدین ابوعلی بازوی، قطب‌الدین محمود شیرازی (م ۷۱۰ ق)، میر سید شریف جرجانی (م ۸۱۶ ق)، شمس‌الدین میرک بخاری حنفی (قرن ۸ هـ) و ملاعلی سمرقندی قوشچی (م ۸۷۹ ق) در اشاعه و انتقال حکمت و علوم عقلی به دوره‌های پس از خود - به خصوص دوره‌ای که از آن به میراث فلسفی شیراز تعبیر می‌کنیم - رسالتی ارزشمند و ستودنی را عهده‌دار بودند.

اکنون اگر نسبت به این حوزه فلسفی و نیز کلامی (شیراز) بی‌توجهی شود، بی‌تردید سلسله سیر حکمت از آبشخورهای ابتدایی‌اش تا به مکاتب و اندیشه‌هایی که امروز در

۱. به وسیله نگارنده این مقاله، تصحیح و آماده چاپ گردیده است.

جامعه حکمی ایران مورد استناد و تکیه قرار داده می‌شود (چونان حکمت متعالیه) گسسته شده و پشتوانه‌های نظام فلسفی در ایران فرو می‌ریزد.

با نگاهی به آثار بزرگانی چون میرداماد و ملاصدراى شیرازی و دیگر متفکران فلسفی حوزه اصفهان چون آقا حسین، آقا جمال و آقارضى خوانساری، ضرورت بررسی و تحقیق هر چه بیشتر حوزه فلسفی شیراز را مورد تأکید قرار می‌دهد و این مهم را آشکار می‌سازد که گرایشهای فلسفی (به‌خصوص در قرابت تاریخی - جغرافیایی) نه تنها از یکدیگر بی‌تأثیر نبوده، بلکه هر یک منشأ و ریشه نظریه‌پردازی و طرح نکات بدیع و نواز برای دیگری بوده‌اند.

حاشیه شرح حکمة العین از آن دست آثاری است که داد و ستد و نقد و بررسی تفکرات حوزه‌های مختلف فلسفی - کلامی، به‌خصوص دو حوزه شیراز و اصفهان را عرضه می‌کند.

حکمة العین^۱

دوره حکمی پیش از شکل‌گیری و قوام حوزه شیراز متعلق به دانشمندان و حکمایی است که هر یک فصل زرینی را در کتاب با شکوه تمدن ایران به خود اختصاص داده‌اند. آن دوره اگرچه در پی هجوم وحشیانه مغول و اضمحلال مراکز ثقل فرهنگی و علمی قرار می‌گیرد، ولی خوشبختانه به پایمردی فرزندان این مرز و بوم مراکز جدیدی در نقاط گوناگون ایران چون مراغه و تبریز و سلطانیه و شیراز و کرمان شکل گرفت و از هدر رفتن و فنای کامل حکمت که سالیان سال از عمر آن می‌گذشت جلوگیری نمود.

شرح حکمة العین

الف. اولین کسی که بر کتاب حکمة العین شرح نوشته، خود مؤلف یعنی کاتبی قزوینی است. وی شرح خود را بحر الفوائد فی شرح عین القواعد نام نهاده است. ناگفته نماند که

۱. حکمة العین همراه با شرح میرک بخاری دو بار چاپ شده است: یکی در سالهای ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ ش همراه با حواشی میر سید شریف در قازان، و بار دیگر در سال ۱۳۵۳ ش به وسیله آقای جعفر زاهدی همراه با یک مقدمه و مقابله با چند نسخه خطی در دانشگاه فردوسی مشهد، متأسفانه نسخه چاپ شده توسط آقای زاهدی، دارای غلط‌های فراوان بوده و همچنین ویرایشی بر آن انجام نشده است، از این رو تصحیح انتقادی این اثر مهم ضرورت دارد.

حکمة العین - شامل طبیعیات و الهیات - یکی از دو بخش کتاب عین القواعد است. بخش دیگر آن در زمینه منطق موسوم به منطق العین می باشد. البته بعدها به اشتباه بحر الفوائد را تنها شرحی بر قسمت منطق معرفی کرده اند.^۱

بحر الفوائد دارای دو نسخه خطی منحصر به فرد می باشد؛ یکی در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره «۱۹۲۶» با ۱۲۰ برگ که تاریخ کتابت آن به قرن هفتم هجری برمی گردد و دیگری در مکتبه مخطوطات الاوقاف العامة در شهر موصل عراق به شماره ۲۰/۳۷/۲ با ۲۱۷ برگ که تاریخ کتابت آن مشخص نیست، ولی نسخه ای قدیمی، متعلق به قرون هفت و هشت هجری است.

ب. شرح جمال الدین حسن بن یوسف بن علی بن المطهر، مشهور به علامه حلی (م ۷۲۶ ق) به نام ایضاح المقاصد من حکمة عین القواعد^۲. علامه، حکمة العین را به همان سیاق و روش کشف المراد که در شرح تجرید الاعتقاد خواجه طوسی نوشته، شرح کرده است. ج. شرح شمس الدین محمد بن مبارکشاه مروی معروف به میرک بخارایی و شارح العین^۳. مبارکشاه این شرح را با توجه به حواشی قطب الدین مسعود شیرازی^۴ بر حکمة العین با انتقاد بر نظرات وی در این حواشی و نیز با رجوع به کتابهای المنصص و المفصل^۵ کاتبی به صورت مزجی نوشته، همچنین وی در این شرح به آثار و افکار فخر رازی نظر دارد و آنها را می ستاید.

د. شرح مزجی مولی محمد بن مولی طالشی گیلانی که به ابوالمظفر سلطان، یعقوب خان فرزند امیر حسین طویل (م ۸۹۶ ق) تقدیم کرده است. از این شرح، نسخه هایی در دانشکده الهیات دانشگاه تهران و کتابخانه اوقاف بغداد موجود است.

۱. وقتی به نام شرح علامه حلی بر حکمة العین نیز توجه می کنیم، بهتر به خطای فهرستنگاران و معرفان نسخه بحر الفوائد پی می بریم، ایضاح المقاصد من حکمة عین القواعد، که در این اثر مرحوم علامه حلی بر قسمت حکمت عین القواعد شرح نوشته است. در فهرست نسخه های خطی عین القواعد را بخش منطق کتاب مفصل کاتبی تشخیص داده اند که بی گمان خطا کرده اند. همچنین مرحوم صفا در تاریخ ادبیات ایران، ج ۳/۱، ص ۲۴۲، و آقای زاهدی در مقدمه ای که بر تصحیح شرح حکمة العین نگاشته، به اشتباه رفته اند.

۲. به اهتمام آقای منزوی، در سال ۱۳۳۷ ش، به وسیله انتشارات دانشگاه تهران چاپ شده است.

۳. وی از حکمای اواخر قرن هشتم هجری می باشد.

۴. میرک بخارایی بیش از دوست بار از این حواشی نقل مطلب می کند.

۵. کاتبی این کتاب را در شرح المحصل فخر رازی نوشته است.

ه. شرح حسن شاه عجمی (م ۹۰۵ ق) که آقابزرگ تهرانی در الذریعة، ج ۱۳، ص ۲۱۲، از آن یاد کرده است.

حواشی شرح حکمة العین

الف. میرک بخارایی خود بر شرحش حاشیه‌هایی دارد که در بعضی نسخه‌های شرح حکمة العین، با قید «منه» به آنها اشاره می‌شود.

ب. حاشیه علی بن محمد بن علی استرآبادی معروف به میر سید شریف جرجانی^۱ (م ۸۱۶ ق) که بی‌شک یکی از مهمترین حواشی موجود بر شرح میرک است. سید شریف گرچه در ادبیات و کلام شهرت دارد، ولی در تمام علوم زمان خویش صاحب نظر بوده و به قول قاضی نورالله: «همه علمای پس از سید، طفیل و عیال اویند». تألیفات وی بیشتر به صورت تعلیقه و حاشیه و شرح است^۲ که حاشیه مزبور یکی از شاخص‌ترین آنهاست که مورد نظر بزرگان فلسفه و کلام بوده و بر آن حواشی و تعلیقات بی‌شماری نگاشته‌اند.

ت. حاشیه غیاث الدین منصور دشتکی فرزند سید صدرالدین (م ۹۴۸ ق).

ث. حاشیه شمس‌الدین محمد بن احمد خفری (م ۹۵۷ ق).

ج. حاشیه محی‌الدین لاری^۳، شاگرد ملا جلال‌الدین دوانی (قرن ۱۰ ه).

ح. حاشیه میرزا جان باغنوی (م ۹۹۴ ق).

خ. حاشیه میرزا رفیعا نائینی (م ۱۰۸۲ ق).

د. حاشیه عبدالغفار گیلانی (قرن ۱۰ ق).

ذ. حاشیه مولی ملا شمسای گیلانی (قرن ۱۱ ق).

ر. حاشیه مولی عبدالرزاق گیلانی رانکویی شیرازی (قرن ۱۱ ه)، معاصر فیاض شیرازی.

ز. حاشیه صدرالدین مولی علی گیلانی (قرن ۱۱ ه).

س. حاشیه زاهدی گیلانی (م ۱۱۱۹ ق)؛ وی بر حاشیه خفری بر شرح میرک نیز

حاشیه دارد.

ش. حاشیه آقا حسین خوانساری (م ۱۰۹۸ ق).

۱. وی به علت شرافتش در تحقیق به شریف ملقب شده است.

۲. از جمله آثار وی می‌توان به شرح المواقف، حاشیه علی شرح التجرید، حاشیه علی شرح المطالع، کبری و صغری در منطق و شرح تصوّر و تصدیق شمسیه اشاره کرد.

۳. از وی در همین حاشیه باغنوی بر شرح حکمة العین نقل قول شده است.

ص. حاشیه آقا جمال خوانساری، وی بر حاشیه خفری بر شرح میرک نیز حاشیه نوشته است.

ض. حاشیه آقا رضی خوانساری.

ط. حاشیه قوام‌الدین قزوینی (م ۱۱۵۰ ق).

ملا میرزا جان باغنوی یا ملا میرزای شیروانی؟

پیش از پرداختن به معرفی حاشیه میرزا جان باغنوی، به نکاتی در باب بطلان انتساب این حاشیه به مولی میرزا محمد بن حسن شیروانی (م ۱۰۹۸ ق)^۱ اشاره می‌نمایم. مؤلف الذریعة، آقا بزرگ تهرانی رحمته الله حاشیه مزبور را که این چنین آغاز می‌شود: «قال الشارح: الحكمة استكمال النفس الانسانية، الى الآخرة. الاستكمال مصدر والمصدر قد يطلق و يراد بها معانيها النسبية...»، از آن شیروانی، معروف به مدقق و فاضل می‌داند.^۲ و به تبعیت صاحب الذریعة، بسیاری از فهرست‌نگاران و نسخه‌پژوهان این اشتباه را دچار شده و در فهرس خویش وارد کرده‌اند، چون فهرست کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی رحمته الله و فهرست مرکز احیای میراث اسلامی، و از طرفی استاد حائری و استاد منزوی به ترتیب در فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی و فهرست کتابخانه دانشگاه تهران این حاشیه را از آن میرزا جان باغنوی دانسته، و قول آقابزرگ را اشتباه می‌دانند. نویسندۀ این سطور بر آن شده تا دلایل خود در اثبات اینکه حاشیه مزبور از آن باغنوی شیرازی است، بیان کند:

۱. در نسخه‌ای از این حاشیه به شماره «۱۳۱۲۹» در کتابخانه آیت‌الله مرعشی رحمته الله این نکات، قابل توجه‌اند:

الف. تاریخ کتابت این نسخه، روز دوشنبه ۲۷ رمضان ۱۰۴۳ - است؛ یعنی ۵۵ سال

۱. وی را از شاگردان مجلسی اول و آقا حسین خوانساری بر شمرده‌اند که دارای آثاری در فلسفه، کلام، اصول، فقه و تفسیر می‌باشد. بعضی آثار او از این قرارند: حاشیه بر حاشیه اثبات الواجب خفری؛ حاشیه بر حاشیه شرح جدید تجرید؛ رساله استحقاق ثواب و عقاب؛ رساله در احباط و تکفیر؛ افعال العباد، رساله در ابطال تسلسل؛ جیش اسامه؛ حاشیه معالم الاصول؛ رساله در غسل و نماز میت؛ تفسیر آیه: ﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ...﴾ به فارسی و عربی. درباره آثار وی، نک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی؛ ج ۱- ۳۲.

۲. نک: الذریعة، ج ۶، ص ۱۲۲.

پیش از وفات شیروانی در ۱۰۹۸ ق. حال اگر تاریخ نوشتن این حاشیه توسط شیروانی و تاریخ کتابتش در یک سال صورت گرفته باشد (که البته بعید به نظر می‌رسد) باید وی تقریباً پنجاه سال پیش از وفات یعنی در سن جوانی این حاشیه را به رشته تحریر درآورده باشد که با توجه به پختگی و استواری مطالب این حاشیه دور از ذهن به نظر می‌رسد.^۱

ب. در برگه‌های میانی نسخه مورد ذکر حواشی با عنوان «منه» به چشم می‌خورد که منظور از آن، نویسنده متن حاشیه می‌باشد. البته این حواشی در کناره برگه‌ها به همان خط متن کتاب بوده و در همان زمان کتابت اصل نسخه وارد شده و قطعاً شیروانی در سال ۱۰۴۳ ق نه تنها به رحمت خدا نرفته بوده، بلکه عنفوان جوانی را سپری می‌کرده است.

۲. در برگه‌های میانی نسخه‌ای از این نسخه‌ای از این حاشیه به شماره «۱۰۶۰۶» در کتابخانه آیت‌الله مرعشی رحمته که در سال ۱۱۱۰ ق کتابت شده، و صفحاتی از آن توسط فرد فلسفه خوانده و صاحب نظری به نام «محمد کاظم» بازخوانی شده و حواشی بر آن نوشته، در چند موضع از متن حاشیه که لفظ «أقول» می‌آید، در هاشم همان برگه‌ها و در اشاره به این لفظ، نام «میرزاجان» به وسیله همین محمد کاظم تصریح و وارد شده است.

۳. در برگ نخستین نسخه‌ای به شماره «۵۲۱۵» در کتابخانه آیت‌الله مرعشی رحمته - که مجموعه‌ای از چند کتاب مهم می‌باشد - فهرستی تنظیم شده و در ابتدای آن فهرست چنین آمده: «حاشیه مولی میرزا جان شیرازی»^۲.

۴. در نسخه‌ای دیگر به شماره «۱۷۶۸» دانشگاه تهران حواشی بسیاری از مؤلف با امضای صریح «منه» و نیز به امضای صریح «ملا میرزا» آمده است.^۳

۵. در تمام نسخه‌های مذکور حواشی با امضای رمز «م، ن» وجود دارد که بی‌تردید حروف اول و آخر «میرزاجان» می‌باشد.^۴

۱. همچنین نسخه‌ای به شماره «۱۰۵۵»، در کتابخانه ملک موجود است، که تاریخ کتابت آن ۱۰۳۸ ق می‌باشد.

۲. نک: تصویر «الف».

۳. نک: نسخه‌های خطی دانشکده الهیات دانشگاه تهران با شماره‌های «۷۲۴»، «۷۲۶»، «۷۲۷»، «۷۲۹» با حواشی «منه» رحمته، ملا میرزای شیروانی، آقا رضی سلمه الله، محمد امین بن ملا رحیم، ابوالقاسم موسوی و ابوالقاسم لاهیجی.

۴. نک: تصویر «ب».

۶. در نسخه «۵۲۱۵» مرعشی رحمته برگ «۳، ب» حاشیه‌ای از شیروانی با امضای صریح «ملا میرزای شیروانی» آمده، در حالی که در تمام حواشی که به مؤلف متن نسبت داده می‌شود رمز «منه رحمته» وارد شده است، بنابراین شیروانی مؤلف نیست. همین مورد در نسخه «۱۳۱۲۹» همین کتابخانه، ملاحظه شد.^۱

۷. در همین نسخه «۵۲۱۵»، حواشی مفصلی از آقا رضی خوانساری وارد شده و در یکی از این حواشی در برگ «۱۲، ب» که بر جمله: «وإلا فبعد توجهها إذا كان صورة شي و...»، ثبت گردیده چنین آمده است: «قوله: فبعد توجهها إذا كان صورة شي، إلى آخره. قيل: أقول: فيه بحث، أما أولاً فلأنّ الكلام على ما وجهه كان في تخلف تصوّر التصوّر عن التصوّر و لا يدخل في هذا المقام بعدم تخلف التصديق - ما ذكره - من أنه يعلم أنّها حاصله لنا، إنّما هو تخلف التصديق انتهى. أقول: فساد ما ذكره بين ... و هذا مع کمال وضوحه قد التبس على الفاضل الشيرواني و علق عليه حاشية طويلة لا يشتهه فسادها على من نظر فيها، فتدبر» (آقا رضی رحمته)^۲.

حاشیه مذکور قطعاً این مهم را مشخص می‌سازد که ملا میرزای شیروانی بر حاشیه باغنوی حاشیه‌ای نوشته که مورد اعتراض و رد آقا رضی خوانساری قرار گرفته، از این رو نویسنده خود حاشیه مورد بحث میرزا جان باغنوی و نویسنده حاشیه ملا میرزای شیروانی می‌باشد. همچنین در تأیید، همین قول شیروانی «أقول: فيه بحث ... انتهى»، با امضای ملا میرزای شیروانی در حاشیه نسخه شماره «۱۳۱۲۹» آمده است.

آقا رضی در حاشیه‌ای دیگر در همان نسخه شماره «۵۲۱۵» برگ «۱۶، ب» به حاشیه ملا میرزای شیروانی بر حاشیه باغنوی اشاره کرده و آن را مورد حمله قرار می‌دهد و می‌گوید: «و هذا مع کمال وضوحه قد التبس على الفاضل الشيرواني، فعلق عليه هذه العبارة، يعني: إنّ مفهوم الموجود الخارجي المقيّد بنفسه، أي المفروض، أنّه فرد لنفسه لا في الأعيان، و هو ظاهر و لا في الأذهان لا متناع كون الشيء موجوداً في الخارج في الذهن، هذا ظاهر العبارة ... و هذا أيضاً فاسد ... و كلام هذا الفاضل لا ينطبق عليه، فتدبر»^۳.

۱. نک: تصویر «ج».

۲. نک: تصویر «د».

۳. نک: تصویر «ه».

همچنین در برگ، «۳، ب» از قول آقا رضی چنین آمده است: «... و ما قیل من: أن الجزئیات و الکلیات متساویتان فی العلم الحضوری ... و بعد أحاطیک بما ذکر، تعرف فساد ما ذکره الفاضل الشروانی فی حلّ کلام المحشّی فی أصل الحاشیة و حاشیة الحاشیة، و ما آورده من الإیرادین و منشأ الأول سوء فهمه لکلام و المحشّی و منشأ الثاني ضبطه فی التسویة التي ادعاها كما بیّنا ...»^۱.

در این عبارات منظور از «المحشّی» میرزاجان، و از «اصل الحاشیة» همین حاشیة شرح حکمة العین مورد نظر، و از «حاشیة الحاشیة» حواشی است که خود میرزاجان بر حاشیه‌اش نوشته، و در نسخه‌ها با رمز «منه» مشخص شده، و فاضل شیروانی کسی است که هم در اصل حاشیة باغنوی و هم بر حاشیة حاشیة وی حاشیه دارد و ایراد وارد می‌کند.

۸. همان‌گونه که پیش‌تر آمد، نسخه «۵۲۱۵» دارای برگی است که فهرستی از کتابهایی را که در خود دارد معرفی می‌نماید. در شماره سوم این فهرست چنین آمده: «حاشیة أخرى علی شرح حکمة العین»^۲. با بررسی این نسخه و مقابله و تطابق عبارت آن با عباراتی که آقا رضی در حواشی از ملامیرزای شیروانی نقل کرده است، این حقیقت روی نمود که این «حاشیة أخرى» همان حاشیة مدقق شیروانی بر حاشیة میرزاجان باغنوی است که در فهرستی چون فهرست کتابخانه آیت‌الله مرعشی رحمته از نویسندگانی مجهول و در فهرست مرکز احیای میراث اسلامی - باکمال تعجب - از میرزاجان باغنوی شیرازی معرفی شده که بی‌تردید خطایی بزرگ است.

۹. در متن حاشیه با عباراتی چون «حواشینا علی شرح الاشارات» و «حواشینا علی المحاکمات» برمی‌خوریم که نشان می‌دهد محشّی بر این کتابها حواشی مجزایی داشته است. با بررسی آثار فاضل شیروانی به چنین آثاری بر نخوردم، ولی در عوض هر دوی این آثار از بهترین حاشیه‌های میرزاجان باغنوی است که اتفاقاً نسخه‌های بسیار خوبی هم دارند: «حاشیة شرح الاشارات»، شماره «۸۹۹۰» کتابخانه حضرت آیت‌الله مرعشی رحمته و «حاشیة المحاکمات» شماره «۳۹۹۸» کتابخانه چستربیتی دبلین که در فهرست خطی کتب عربی مرحوم آربری، به شماره ۸۴/۴ معرفی شده و خوشبختانه

۱. نک: تصویر «ج».

۲. نک: تصویر «الف».

عکسی از آن نسخه نفیس - که در سال ۹۹۱ ق در شیراز و در زمان حیات مؤلف با نسخه خط خود باغنوی مقابله شده است - در کتابخانه مرحوم مرعشی نجفی در قم به شماره «۱۷۶» موجود است.^۱

زندگی و آثار باغنوی

همان گونه که گذشت این حاشیه اثر ملا حبیب الله باغنوی شیرازی، معروف به ملامیرزا جان و فاضل باغنوی، از حکمای قرن دهم هجری و متوفای ۹۹۴ ق است. وی از شاگردان خواجه جمال الدین محمود بن یعقوب شیرازی و از همدرسان ملا عبدالله شوشتری و ملا عبدالله یزدی صاحب تهذیب المنطق به شمار می‌رود. در اکثر علوم زمان خویش به ویژه حکمت و منطق تبخر داشت و پشتکار و تلاش فوق العاده‌ای در کسب علوم و معارف داشته است به گونه‌ای که از آغاز شب تا بامداد بیدار می‌ماند و مشغول تحقیق و تألیف می‌شد، از این رو به بیماری مثانه مبتلا گشت و سالهای پایانی حیات خویش را با درد و رنج به پایان برد و در شیراز به دیار باقی شتافت.^۲

در تذکره‌ها وی را پیرو اشعریان، و شافعی یا حنفی مذهب می‌دانند، ولی آثار او به ویژه آنچه در باب کلام به رشته تحریر درآورده، او را فیلسوفی امامی نشان می‌دهد.^۳

۱. در فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه مرحوم مرعشی، ج ۱، ص ۱۵۸-۱۵۹، در معرفی این نسخه چنین آمده است: کتاب الاشارات و التنبیهاش شیخ الرئیس ابن سینا را خواجه نصیرالدین طوسی شرح نموده و آن را حل مشکلات الاشارات نامیده است. خواجه در شرح خود، در صدد جواب به اعتراضات و اشکالاتی بر آمده که امام فخر رازی، در شرح خود بر اشارات ابن سینا ایراد نموده است، سپس محمد بن محمد معروف به قطب الدین رازی در گذشته ۷۶۶ ق، کتاب المحاکمات را در محاکمه بین شرح خواجه نصیر و امام فخر رازی تصنیف کرده است (کشف الظنون، ۹۰/۱؛ ریحانة الادب، ۴۶۷/۴؛ الذریعة، ۱۳۲/۲۰). کتاب محاکمات قطب الدین رازی را شرح الشرح هم می‌گویند. نسخه حاضر، حاشیه میرزا جان شیرازی است بر کتاب محاکمات = شرح الشرح قطب الدین رازی.

آغاز، افتاده: ... قال المحسني: والأصل مقدمة كلية يصلح إلى آخره. أقول: الفرع مضائف للأصل ... انجام: هذا ما تيسر لي في نقد شرح الشرح و بيان ما وقع فيه من الجرح ... هو أفضل الأنام و اله الكرام. مشخصات نسخه: نستعلیق، قرن دهم هجری، در حاشیه تصحیح شده و دارای حواشی با نشانه «منه مد ظلّه العالی» و «منه» در سال ۹۹۱ ق، در شیراز، در زمان حیات مؤلف، با نسخه خط مصنف مقابله شده است، روی برگ عنوان تملک شیخ علی بن عبدالوهاب جیلانی دیده می‌شود، ۱۹۳ برگ، ۲۴ سطر.

۲. درباره زندگانی باغنوی جز این چیزی در دست نیست. نک: الکنی و الالقاب، ج ۳، ص ۲۲۱؛ فرهنگ بزرگ اسلام و ایران، ص ۱۳۹؛ لغت نامه دهخدا، ج ۶، ص ۸۶۶۵؛ الذریعة، ج ۶، ص ۱۰؛ الاعلام، ج ۲، ص ۱۷۲.

۳. نک: بیان اعلی المطالب و ارفع المآرب، که وی در علم کلام نگاشته، و نسخه‌هایی از آن در دست می‌باشد.

اکثر آثار و تألیفات وی بنا بر مقتضیات علمی آن دوران به صورت حاشیه، تعلیقه و شرح بر کتابهای مهمی است که در زمان او مطرح و مورد نقد و نظر بوده‌اند. بعضی آثار مهم وی و نسخه‌های موجود آنها بدین شرح:

۱. حاشیه بر حاشیه قدیم روانی بر شرح جدید تجرید

آغاز: «قال المصنّف: أما بعد حمدلّله واجب الوجود علی نعمائه، أقول: لعلّ ترك الموصوف هاهنا إيماء إلى ...».

انجام: «و الثاني من مكان منخفض جداً في مسافتين أن يكون الحركة في الأول أشدّ من الحركة في الثاني، تمّ».

بعضی نسخه‌ها: مرعشی، ش «۸۲۹۲»، «۹۷۳۶»؛ مجلس، ش «۱۷۴۲»، «۱۷۴۳»، «۱۷۴۴»، «۴۴۱۲»؛ مشهد رضوی، ش «۴۶۹»، «۹۴»؛ شهید مطهری، ش «۱۲۶۲»؛ دانشگاه تهران، ش «۳۷۱»، «۱۹۶۶»، «۷۰۰۷/۱».

۲. حاشیه بر اثبات الواجب قدیم دوانی

آغاز: «جلّ جلالک یا واجب الوجود، و عمّ نوالک یا صاحب الافضال و الجود ...».

انجام: «و أن يكون موجوداً فيه بصورته المطابقة لها ... و علی آله و أصحابه الکرام صلاة دائمة بدوام الشمس علی صفحات الأیام».

بعضی نسخه‌ها: مرکز دار احیاء قم، ش «۸۳/۳»؛ مجلس، ش «۴۰۰۱/۶»؛ مرعشی، ش «۹۷۰۹/۳»، «۹۸۹۹/۳»؛ دانشگاه، ش «۳۰۳/۳».

۳. حاشیه بر اثبات الواجب (که یک بار دیگر این حاشیه را بر اثبات الواجب قدیم

دوانی نوشته است).

آغاز: «و به نستعین، قال المصنّف ﷺ: اعلم، البراهین المؤدیة إلى هذا المطلوب ...».

انجام: «لو سلّم من القدح و لا یقدح فی منع المصنّف و لا یلزم منه استدراك».

بعضی نسخه‌ها: دانشگاه، ش «۳۵۴».

۴. حاشیه بر حاشیه شرح مطالع (که از اول کتاب تا مبحث شبه مجهول مطلق،

حاشیه بر حاشیه میر سید شریف می‌باشد).

آغاز: بسمله؛ لما كان الجميل متناولاً للانعام، إلى آخره، أراد بتناول الجميل ...».
انجام: «مثل هذا يرد على قوله، وهو مدفوع بقيد الإطلاق أيضاً، تمّ الحاشية الشريفيّة». بعضی نسخه‌ها: مشهد رضوی، ش «۹۹۳»؛ مرعشی، ش «۶۵۹۸/۲»، «۹۵۴۳/۳»، «۱۱۰۵»، «۱۱۴۹».

۵. حاشیه بر شرح مطالع

آغاز: «بسمله، قوله: من معنى القضية، معنى القضية ما يحتمل الصدق والكذب ...».
انجام: «... وكان تبصرة فالجارية فبصره، والله اعلم». بعضی نسخه‌ها: مشهد رضوی، ش «۹۹۲».

۶. حاشیه بر شرح جدید تجرید (حاشیه‌ای است بر مقصد دوم شرح تجرید؛ جواهر و اعراض).

آغاز: «قال المصنّف: وفيه فصول؛ الأول في الجواهر. أقول: أي ...».
انجام: «هذا مبني على تمييز تلك الأجزاء بحسب نفس بعضها عن بعض». بعضی نسخه‌ها: مشهد رضوی، ش «۹۰۱۲»، «۱۲۱۰»؛ دانشگاه تهران، ش «۳۱۱»، «۱۱۱۴»، «۶۶۹۵»، «۶۷۴۳/۲» مطهری، ش «۶۳۸۷»، «۶۳۲۴»، «۱۳۶۶».

۷. حاشیه بر محاکمات (که این حاشیه رادر سال ۹۷۸ ق بر محاکمات قطب‌الدین رازی (م ۷۶۶ ق) نوشته است).

آغاز: «بسمله؛ قال المحاكم: بل يكفي في إثباته اما مجرد ملاحظة ..».
انجام: «هذا ما تيسر في نقد شرح الشرح ... ما أفيض فيها من التدقيق، والحمد لله على الإتمام».

بعضی نسخه‌ها: دائرة المعارف، ش «۴۰۰»؛ مشهد رضوی، ش «۳۴»؛ دانشگاه تهران، ش «۶۴۳۹»، «۷۲۴۸»؛ مجلس، ش «۱۷۹۲»، «۱۷۹۳»؛ مرعشی، ش «۸۹۹۰».

۸. حاشیه بر شرح مواقف (حاشیه بر شرح میر سید شریف بر مواقف می باشد).
آغاز: «بسمله؛ فعلى هذا لا يكون، إلى آخره. اما لا فلان الظاهر المتبادر من ...».

انجام: «و الله أعلم بحقيقة الحال و المقال».
بعضی نسخه‌ها: دانشگاه تهران، ش «۱۸۶۸/۳».

۹. **مغالطات** (مشمول بر یک مقدمه و دو باب و یک تکمله).
آغاز: بسمله؛ الحمد لله، لله خالق الأشياء و الصلاة على نبيه المعصوم...
انجام: «أن يكون هذا على سبيل الاتفاق، و حينئذ لا ينعكس بعكس النقيض، تمت
الرسالة».

بعضی نسخه‌ها: مشهد رضوی، ش «۱۱۲۶» - مرعشی، ش «۱۰۲۰۷».

۱۰. **حاشیه بر شرح مختصر المنتهی** (حاشیه‌ای تحقیقی بر شرح عضدالدین ایجی
(م ۷۵۶ ق) بر مختصر المنتهی از ابن حاجب (م ۶۴۶ ق) است. برخی این حاشیه را با نام
ردود و نقود نیز خوانده‌اند).

آغاز: «بسمله؛ قوله: من لطف الله تعالى أحداث الموضوعات اللغوية...»
انجام: «الحمد لله على الاصبح بعد الظلام المحوج إلى المصباح، و نرجو الانتظام به
في سلك دعاء الطلبة في الصباح و الرواح، تمت».
بعضی نسخه‌ها: مرعشی، ش «۷۲۵»، «۶۹۷۹». دانشگاه تهران، ش «۶۲۱۰»،
«۶۲۷۹»، «۷۳۲۰»؛ الهیات مشهد، ش «۱۳».

حاشیه شرح حکمة العین

حاشیه‌ای است که باغنوی تنها بر بخش امور عامه شرح حکمة العین نوشته
و ظاهراً دیگر اقدام به حاشیه‌نویسی بر دیگر بخشهای شرح میرک بخارایی نکرده،
محشی در ابتدای هر بحثی که وارد می‌شود، با «قال الشارح» به گفته میرک شارح
العین، با «قوله ۱» به گفته میرسید شریف جرجانی در حاشیه‌اش که بر این شرح
نگاشته، با «قیل» و بعضاً «قیل: أقول» به حاشیه قاضی زاده رومی، و با «أقول» به
گفته‌ها و نظرات خود که حاشیه‌اش را تشکیل می‌دهد، اشاره می‌نماید. و در برخی
مواقع با «قال المصنّف»، به خود کتاب «حکمة العین» و نویسنده آن کاتبی قزوینی
نیز ارجاع می‌دهد.

در این میان حواشی قاضی زاده رومی - که باغنوی از آنها به «الحواشی التي علقها بعض المتأخرين» یاد می‌کند - منحصر به فرد، و شایسته توجه بیشتری می‌باشد، چراکه تقریباً آثار فلسفی وی و حواشی مهمی که بر کتب فلسفی و کلامی زمان خود نوشته گمنام بوده و مورد بی توجهی اصحاب این حوزه معرفتی قرار گرفته است، و تقریباً در هیچ فهرست نسخ خطی داخل و خارج - آنجا که ذکری از حاشیه شرح حکمة العین باغنوی می‌شود - هیچ نام و نشانی از حواشی قاضی زاده و اینکه این «قیل» به چه کسی برمی‌گردد، نیامده است.^۱

قاضی زاده در حواشی خود بر شرح حکمة العین که نمود توجه خاص وی به فلسفه مشاء و علاقه و تمایل ویژه به شیخ الرئیس می‌باشد، نه تنها احاطه خود بر حکمة العین و شروح را به رخ می‌کشد، بلکه حواشی سید شریف جرجانی را هم مورد بحث و نقد و نظر قرار می‌دهد. فاضل باغنوی نیز با هنرمندی مباحث وی را در طی و پی اقوال مبارکشاه و میر سید شریف جای داده و پس از آنکه افکار این سه متفکر را کنار هم قرار می‌دهد و ضعف و قوت‌های هر یک را به خوبی آشکار می‌نماید، خود وارد صحنه شده و به داوری و نیز اظهار نظر درباره گفته‌های آنان می‌پردازد.^۲

باغنوی در جای - جای حاشیه خویش، از افرادی با عناوین «الأستاذ أدام الله أيتا افاداته»، «السيد أسكنه الله في صدر الجنان»، «بعض المحققين»، «أفضل المحققين» و «المحقق الشريف» نام برده و از آنان نقل قول کرده و نظراتشان را نیز در بحث داخل می‌کند و در مسیر رویارویی با هر یک از آنان، به ردّ و تردید پرداخته، سپس نظر خود را ابراز می‌دارد.

مصحح با پیگیری دیگر آثار باغنوی و کسانی که در آن زمان بر وی اثر داشته‌اند، احتمال می‌دهد که منظور محشی از «الأستاذ همانا خواجه جمال الدین محمود بن یعقوب حنفی شیرازی بوده که در انتقال افکار و نظریات جلال الدین دوانی به باغنوی

۱. با بررسی نسخه‌های حاشیه شرح حکمة العین، نسخه‌ای در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله به شماره «۱۰۶۰۶» به دست آمد که در برگهای میانی آن، محشی فاضلی به نام محمد کاظم بعضی مراجع ضمایر را در حاشیه‌ها یادآوری کرده و در بعضی برگها زیر فعل «أقول» در «قیل: أقول» نام قاضی زاده را متذکر شده بود. همچنین در این نسخه حواشی با امضای «قاضی زاده» به چشم می‌خورد.

۲. در بیشتر موارد، باغنوی در صدد ردّ نظریات و مختار قاضی زاده رومی است.

سهم به‌سزایی داشته است^۱ چرا که وی شاگرد و جانشین دوانی در کرسی تدریس به‌شمار می‌رود. از طرفی خواجه متوفای ۹۹۰ قمری است؛ یعنی چهار سال پیش از شاگردش میرزا جان. از این‌رو جمله دعایی باغنوی یعنی «أدام الله أيام افاداته» که پس از ذکر نام استادش می‌آورد، می‌تواند نشان‌دهنده کهنوت سن استاد و در عین حال ادامه افاضه معارف از سوی وی به شاگردش باشد.^۲

خواجه جمال‌الدین دارای آثار متعدد فلسفی است که از آن جمله می‌توان به حاشیه حاشیه الدوانی القديمة علی شرح التجرید اشاره کرد، که با عناوین «قوله - قوله» مطالب دوانی را توضیح داده و گفته‌های میر سید شریف جرجانی را هم بازگو کرده و مورد رد و ایراد قرار می‌دهد.^۳

همچنین در نسخه «۱۰۶۰۶» مرعشی^۴ در برگ‌های میانی تحت عبارت «سید أسکنه الله في صدر الجنان» کلمه سید صدر چند بار تکرار شده است که به قطع سید صدرالدین دشتکی شیرازی است. در مواضعی دیگر از حاشیه نیز به سید سند اشاره رفته است و به ترتیب منظور از «بعض المحققين»، «افضل المحققين»^۴ و «المحقق الشريف»، علامه جلال‌الدین دوانی، خواجه نصیرالدین طوسی و سید شریف جرجانی می‌باشد.

باغنوی در بسیاری از مواضع حاشیه، از آثار بوعلی چون الهیات، شفاء و اشارات، المباحث المشرقیة امام فخر و «تجرید الاعتقاد» و شروح قوشجی و دوانی بر آن نیز نقل قول نموده و از مباحث اختلافی در میان آنها سرسری نمی‌گذرد و به مقایسه دیدگاه‌ها و اظهار نظر می‌پردازد.

تاریخ نگارش حاشیه

از قرائن موجود در حاشیه می‌توان به این نکته مهم اشارت کرد که تاریخ نگارش حاشیه به‌وسیله فاضل باغنوی قطعاً در دهه پایانی عمر وی صورت گرفته است. قرائن و شواهد

۱. این مطلب در خود حاشیه باغنوی و عبارات وی در آن، به راحتی قابل اثبات است. برای نمونه در صفحه ۱۴۷ همین حاشیه، بعد از بحث مستوفایی که به‌وسیله محشی مطرح شده، چنین آمده: «... ثم قد ذکر هذا الوجه الشارح الجديد للتجرید و قد فصله الأستاذ هناك و آورد علیه ایراداً و نحن أجبنا عنه هناك، فإن أردت الاطلاع علیه فارجع إلى تعليقاتنا علیها».

۲. از این نکته می‌توان پی برد که حاشیه مزبور قطعاً پیش از ۹۹۰ ق نوشته شده است.

۳. نک: نسخه خطی شماره ۵۵۹۶ کتابخانه مرعشی.

۴. باغنوی از خواجه نصیرالدین با عناوینی چون «المحقق» و «المحقق الطوسی» نیز یاد می‌کند.

مورد استناد بدین شرح است:

- الف. تاریخ وفات باغنوی سال ۹۹۴ ق است.
- ب. تاریخ وفات استاد باغنوی که از وی در چند جا از حاشیه نقل قول شده است، ۹۹۰ ق است.
- ج. باغنوی از استاد خویش، خواجه جمال‌الدین شیرازی با جمله دعایی «أدام الله ایام افاداته» یاد می‌کند.
- د. باغنوی از قاضی‌زاده رومی، متوفای ۹۸۸ ق با عنوان «بعض المتأخرین» و نیز با جمله دعایی «ﷺ» در یک جا از حاشیه فوق یاد می‌کند.
- ه. محشی در چند موضع از حاشیه اثر دیگر خود با نام حاشیه علی المحاکمات نقل می‌نماید که تحقیقاً اثر فوق‌الذکر در نیمه دوم دهه هفتاد (۹۷۸ ق) نوشته شده است. از موارد فوق می‌توان پی برد که تاریخ نگارش حاشیه ما بین سالهای ۹۸۸ ق (تاریخ وفات قاضی‌زاده رومی) و ۹۹۴ ق (تاریخ وفات باغنوی) و ۹۹۰ ق (تاریخ وفات خواجه جمال‌الدین شیرازی) بوده است؛ یعنی در شش سال پایانی حیات مؤلف.

نسخه‌های حاشیه شرح حکمة العین در کتابخانه‌های ایران^۱

۱. نسخه‌های دانشکده هیات دانشگاه تهران:

- الف. ش «۷۲۴»، ۱۴۴ برگ، ۱۲۱۰ ق، با حواشی «منه ﷺ» و «ملا میرزای شیروانی».
- ب. ش «۷۲۶»، ۱۷۸ برگ، سده ۱۱ هـ با حواشی «منه ﷺ» و «ملا میرزای شیروانی».
- ج. ش «۷۲۷»، ۱۷۸ برگ، سده ۱۰ و ۱۱ هـ، با حواشی «منه ﷺ» و «ملا میرزای شیروانی».
- د. ش «۷۸۹» ۱۱۴ برگ، با حواشی «ع. ب. ﷺ»، «ملا میرزای شیروانی»، «لمحرره عفی عنه»، «لمحرره ابوالقاسم موسوی»، و «آقا رضی سلمه الله».

۲. نسخه‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران:

- الف. ش «۱۵۰۸»، ۱۹۱ برگ، سده ۱۲ هـ (نک: ج ۸ فهرست).

۱. فراوانی نسخه‌های حاشیه باغنوی می‌تواند حاکی از این مهم باشد که این حاشیه کتاب درسی در حوزه‌های علمی بوده است.

ب. ش «۲۷۸۷/۲»، ۸۰ برگ، سده ۱۱ هـ (نک: ج ۱۰ فهرست).
ج. ش «۱۵۱۱»، ۱۷۹ برگ، (نک: ج ۸ فهرست).

۳. نسخه‌های کتابخانه ملی ملک:

الف. ش «۱۰۵۵»، ۱۲۸ برگ، صفر ۱۰۳۸ (نک: ج ۴ فهرست).
ب. ش «۲۸۵۵»، ۶۰ برگ، ۱۲۲۲ ق.
ج. ش «۵۸۰۵»، ۱۴۰ برگ، سده ۱۳ هـ
د. ش «۲۹۰۴/۴»، ۱۲۲ برگ، ۱۰۶۹ ق.

۴. نسخه‌های مجلس شورای اسلامی:

الف. ش «۱۷۶۹»، ۳۶۶ برگ، (نک: ج ۵ فهرست).
ب. ش «۱۷۶۸»، ۳۱۴ برگ.

۵. نسخه‌های آستان قدس رضوی:

الف. ش «۱۲۱»، ۱۸۴ برگ، (نک: ج ۴ فهرست).
ب. ش «۴۵۰»، ۱۰۹ برگ.
ج. ش «۴۵۱»، ۷۱ برگ.

۶. نسخه‌های مسجد اعظم قم:

الف. ش «۱۳۷۳»، سده ۱۲ هـ
ب. ش «۱۲۹۶»، سده ۱۲ و ۱۳ هـ

۷. نسخه‌های مدرسه فیضیه قم:

الف: ش «۱۷۳۶/۱»، ۸۲ برگ، (نک: ج ۲ فهرست).

۸. نسخه‌های مدرسه مروی تهران:

الف. ش «۶۵۸»، ۱۳۲۱ ق.
ب. ش «۹۴۶»، ۱۲۳۴ ق.
ج. ۹۱۰/۲، سده ۱۱ و ۱۲ هـ

۹. نسخه‌های مدرسه عالی شهید مطهری:

الف. ش «۱۳۶۳»، ۹۴ برگ، سده ۱۲ هـ با حواشی «عبدالرحمان» و «محمی‌الدین».
ب. ش «۶۳۹۲»، ۱۴۷ برگ، ۱۲۳۵ ق.

۱۰. نسخه آستان مقدسه حضرت معصومه علیها السلام:

الف. ش «۱۷۳/۴»، ۱۴۳ برگ، سده ۱۲ هـ

۱۱. نسخه‌های مدرسه نواب مشهد:

الف. ش «۶/۱»، ۷۵ برگ، سده ۱۲ هـ
ب. ش «۹۹»، سده ۱۲ هـ

۱۲. نسخه مدرسه آخوند همدان:

الف. ش «۴۴۵/۴».

۱۳. نسخه کتابخانه مرکز احیای میراث اسلامی قم:

الف. ش «۳۴۵۴»، ۱۴۷ برگ، سده ۱۱ هـ

۱۴. نسخه‌های کتابخانه حضرت آیت‌الله مرعشی علیه السلام قم:

الف. ش «۱۳۱۲۹».

ب. ش «۵۲۱۵».

ج. ش «۱۰۶۰۶».

د. ش «۱۱۶۸۳/۶»، ۷ برگ آغازین، سده ۱۳ هـ

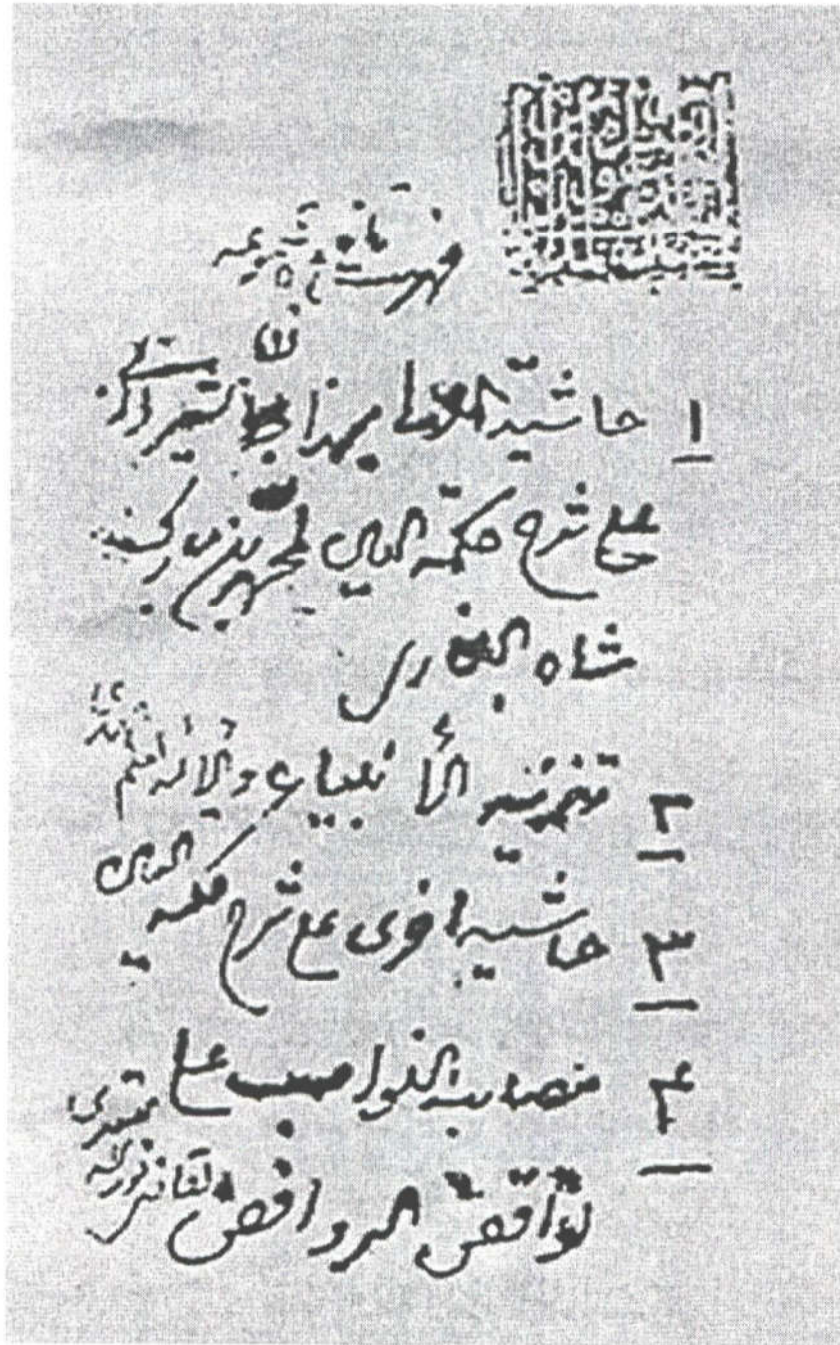
ه. ش «۱۰۸۶۳»، سده ۱۲ هـ

فهرست ماخذ

۱. ایضاح المقاصد من حکمة عين القواعد، علامه حلی، به اهتمام احمد منزوی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۷ ش.

۲. تاریخ فلاسفة اسلامی، علی اصغر حلبی، کتابفروشی زوار، تهران، بی تا.
۳. تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح الله صفا، انتشارات فردوس، چاپ نهم، تهران، ۱۳۸۳ ش.
۴. تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، ذبیح الله صفا، انتشارات دانشگاه، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۵. جامع الرواة و ازاحة الاشتباهات عن الطرق و الاسناد، محمد بن علی اردبیلی غروی، از انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۳ ق.
۶. الحاشیه علی شروح الاشارات، به تصحیح احمد عابدی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
۷. حکمة العین، کاتبی قزوینی، تحقیق صالح آیدین بن عبدالحمید ترکی، چاپ ترکیه، بی تا.
۸. دانشمندان و سخن سرایان فارس، محمد حسین رکنزاده (آدمیت)، ج ۲، انتشارات کتابفروشی اسلامی، تهران، ۱۳۳۸ ش.
۹. دانشمندان خوانسار، به کوشش سید محمد علی یزدی و سید رسول علوی و علی اکبر زمانی نژاد، کنگره بزرگداشت آقا حسین خوانساری، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
۱۰. الذریعة الی تصانیف الشيعة آقا بزرگ تهرانی، دارالاضواء - بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۳ هـ.
۱۱. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، عبدالله افندی، به اهتمام سید محمود مرعشی و تحقیق سید احمد حسینی، چاپ خیام، قم، ۱۴۰۱ ق.
۱۲. روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، میرزا محمد باقر خوانساری، تحقیق اسدالله اسماعیلیان، چاپ مکتبه اسماعیلیان، قم، بی تا.
۱۳. ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه او اللقب، علامه میرزا محمد علی مدرس، چاپ کتابفروشی خیام، قم، چاپ سوم، ۱۳۶۹ ق.
۱۴. شرح حکمة العین، مبارکشاه بخارایی، تصحیح جعفر زاهدی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۵۳.
۱۵. شرح حکمة العین همراه با حواشی میر سید شریف، به اهتمام محمد جان کریمی و همکاری شریف جان و حسن جان، سن پترزبورگ، ۱۳۱۹ ق (چاپ سربی).

۱۶. علوم اسلامی و نقش آن در تحولات علمی جهان، آلدومیه - لی، ترجمه محمد رضا شجاع رضوی و دکتر اسدالله علوی، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۱ ش.
۱۷. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی، به کوشش دکتر سید محمود مرعشی نجفی و همکاری فهرست‌نگاران کتابخانه، ج ۱ - ۳۳، منشورات کتابخانه حضرت آیت‌الله مرعشی.
۱۸. فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به کوشش احمد منزوی، ج ۸ و ۱۰، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۹. فلاسفه شیعه، شیخ عبدالله نعمه ترجمه سید جعفر غضبان، سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۷ ش.
۲۰. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، به کوشش عبدالحسین حائری، چاپ اول، تهران، ۱۳۴۵ ش.
۲۱. کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، علامه حلی، انتشارات شکوری، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۲۲. کتابشناسی مکتب فلسفی شیراز، محمد برکت، کنگره بین‌المللی مکتب فلسفی شیراز، انجمن حکمت و فلسفه فارس، چاپ بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۸۲ ش.
۲۳. گنجینه بهارستان، به اهتمام علی اوجیبی، ج ۷، انتشارات مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۲۴. لغت‌نامه، علی اکبرخان دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.



منها على مقتضى القسط من جهة الشريعة الكليته وذلك لان في
 قسيم كلها لا ياتعلق بالملك والسلطنة ولا ياتعلق بالنبوة و
 الشريعة وذلك لان هذا القسم من الكفة بكلها اوجبه الله تعالى
 الى الابناء عليهم السلام على ايدي كتيبة النسخ والتواريخ وهي كلها من جنس
 الشرع وبعض المسائل التي خافت الشريعة انما زادت بتدريج اللغات
 المختلفة وعلى هذا ايلحاجه توجيه الشرع لا ما ارتكبه قدس سره
 حيث قال ان بعض هذه الامور معلوم من صاحب الشرع لا قدس سره
 سره المثال القائم الثابت نزول الوحي اراد به الشريعة هذا معنى
 اخبرنا من الاول . اي الكملة للجرد والمادى ومقابلتها
 انما يحتمل ان يكون مقابلا لها معطوفا على قوله الكملة فيكون
 العدم والاتساع من الامور العامة ولم يكن اليختصها في مقابلة
 الامور العامة تطفليا ويعتمل ان يكون معطوفا على الامور العامة
 فلم يكونا داخلين في الامور العامة ويكون اليختصها تطفليا
 بنا على انها مقابلا للوجود والامكان وهما من الامور العامة
 هذا هو هذا التعريف للامور العامة بصرفها الاحوال المختصة
 بالجوهر المتداول تلك الاحوال للجرد والمادى ويمكن ان يقال
 تلك الاحوال داخله في الامور العامة بالمعنى المراد منها اولها

هذا هو هذا التعريف للامور العامة بصرفها الاحوال المختصة
 بالجوهر المتداول تلك الاحوال للجرد والمادى ويمكن ان يقال
 تلك الاحوال داخله في الامور العامة بالمعنى المراد منها اولها

بالامور

تعود الحاد ولا يصدق عليها شي من الاحكام ايجابية لا تنافي
 محتققة في الايمان ولا تنافي في الملأ بالوجود في قولنا التواد
 الوجود كذا لغو معنى الشاذ الذي هو مفرد الوجود كذا في الحكم
 عليها لفا الحكم على التواد من غير تقييد بالوجود لا يفيد المغايرة
 بل بان كون التواد موجودا ان كان بما او عن كونه ذا وجود يمكن
 موجودا باقتضاها بل لا بد على فانه عارض له وهو كونه اوجين
 وان كان ذاته من الوجود وبالمجمله للتصميم كون الوجود زيدا
 على الوجود ليس الا ان موجوده الشئ ليس باعتبار كونه وجودا
 بل باعتبار كونه ذا الوجود وهو نفس الوجود لئلا يكون الوجود
 غيرا وعينه كافي الوجود للوجود وبعبره عند لتصلحك لتسحق
 الكلام ليتمكنك ومع كونهن الشبه الوارد فمفهوم اللغام اقول
 ينشأ هذا الكلام بما بعد ويشتمك على معانك المقصود التواد
 مع الوجود لا يصدق عليه ذلك اقول ان اراد بالتواد مع الوجود
 مجموع التواد والوجود فمفهوم صدق ذلك للمفهوم عليه بان
 ان هذا الجبريد غير قابل للوجود وان اراد نفس التواد للمفهوم
 الوجود فمفهوم صدق بيني على ان هذا المفهوم غير قابل للمفهوم
 لان اراد الانضمام على سبيل التقييد بان يكون التواد خارجا

قوله لا تنافي
 محتققة في الايمان
 محتققة في الملأ
 محتققة في قولنا
 محتققة في الحكم
 محتققة في المغايرة
 محتققة في كون
 محتققة في اوجين
 محتققة في زيدا
 محتققة في ليس
 محتققة في الوجود
 محتققة في غيرا
 محتققة في الكلام
 محتققة في ينشأ
 محتققة في مع الوجود
 محتققة في مجموع
 محتققة في ان هذا
 محتققة في المفهوم
 محتققة في لان
 محتققة في هذا
 محتققة في المفهوم
 محتققة في لاني
 محتققة في خارجا